

خبر

۱۴ مرداد سریال «دهخدا»

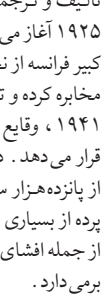


سریال «استاد علی اکبر دهخدا»، در مردادماه سال جاری، همزمان با سالروز صدور فرمان مشروطیت پخش می‌شود. علی‌اکبر محمودی مهریزی- تهیه‌کننده این سریال-در گفت‌وگو با ایسنا بیان این که برخی صداهای ضبط شده از زمان مشروطیت برای نخستین بار از طریق سریال «استاد علی اکبر دهخدا» از تلویزیون پخش می‌شود، اظهار کرد: این صداها در سکناس‌های مربوط به یادآوری خاطرات مصدق کودتای ۲۸ مردادماه در لابه لای سریال روی آنتن می‌رود. محمودی مهریزی درباره احتمال تغییر نام سریال گفت: اسم‌هایی چون «مرغ سحر در شب تار» را به شبکه چهار پیشنهاد داده‌ایم، ولی گروه ادب و هنر هنوز نظر خود را در این زمینه اظهار نکرده است. این تهیه‌کننده افزود: در این سریال به نقش «دهخدا» در تولید علم و مبارزات او در عهد مشروطه پرداخته می‌شود و زندگی او را دو محقق در روایت می‌کنند. به گفته وی سریال از لحظات پایانی زندگی استاد دهخدا آغاز می‌شود، سپس داستان به گذشته این شخصیت (فلاش بک) برمی‌گردد. محمودی مهریزی در پایان در پاسخ به این پرسش ایسنا که صحنه‌های بازگشت به گذشته از دید چه کسی روایت می‌شود؟ اظهار کرد: این بخش‌ها حدیث نفس دهخدا است و پس از بازی با کلمات، به گذشته او وارد می‌شویم. به گزارش ایسنا، تدوین به مجموعه پنج قسمی را آرش زاهدی برعهده دارد و مسعود عسگری علاوه بر کارگردانی سریال «استاد علی اکبر دهخدا» نویسندگی این کار را هم برعهده داشته است. در این سریال، زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی علی اکبر دهخدا در عهد مشروط استبداد صغیر، جنگ‌های جهانی اول و دوم و کودتای ۲۸ مردادماه بررسی می‌شود.

- کودای رضاخان به روایت سفیر فرانسه**
- همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب مشروطیت ایران، استاندای به روایت سفیر فرانسه در ایران در کتابی به اسم «قزاق» و با عنوان فرعی عصر رضاشاه براساس اسناد وزارت امور خارجه فرانسه، توسط محمد پوشالچی تألیف و ترجمه شده است. اسناد این کتاب از سال ۱۹۲۵ آغاز می‌شود و شامل اولین اسنادی است که سفیر کبیر فرانسه از نخستین روز تاجگذاری رضاشاه به فرانسه مخایره کرده و تا زمان استعفا‌ی وی از سلطنت در سال ۱۹۴۱، وقایع و رویدادهای کشور ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در کتاب «قزاق» مولف با گردآوری بیش از پانزده هزار سند دست اول و جدید برای نخستین بار پرده از بسیاری از اسرار و ناگفته‌های حکومت رضاشاه از جمله افشای جزئیات لو رفتن خیانت تیمورتاش به شاه برمی‌دارد.

من

نصیحت به مظلوم باید کرد



بیژن مومینود : میرزا ملکم خان«گفتار در رفع ظلم» را ۱۲۸۰ هـ. ق در استانبول ِتقریر کرده و میرزا فتحعلی آخوندزاده آن را نوشته است.

آخوندزاده در سرآغاز گفتار نوشته است: «بیان مطلب عالی است که در سال ۱۲۸۰ (۱۸۶۳م) از تقریر خود جناب روح [آخوندزاده، ملکم را روح القدس خطاب می‌کرد] در استانبول شنیدم مرقوم نموده‌ام.

تا اوایل قرنِ حال، بالفرض در مدت ده هزار سال، جمیع انبیا و حکما و شعرا طالب رفع ظلم شده چنان اعتقاد می‌کردند که به جهت رفع آن به ظالم وعظ و نصیحت گفتن لازم است. لِهَذَا نتیجه اعتقاد خودشان در این مدت مدید هر یک به طوری از قوه به فعل آورده‌اند. مثلاً انبیا در حق ظلم، بهیشت وعده داده‌اند و حکما ظلم را باعث زوال دولت دانسته عدل را موجب دوامش گفته‌اند و در این باب انبیا کتب و صحف، حکما تصانیف عدلیه منتشر کرده‌اند و شعرا جمیعاً در آسیا و یوروپا، از آن جمله سعدی به‌خصوصه در مولفات خودشان ظالم را مذمت کرده عدل را ستوده‌اند و به خاطر این که ظالم تارک ظلم شود و اختیار عدالت کند. لکن عاقبت با تجارب کثیره مبرهن گردیده است که جمیع زحمات این صنف اشرف بشری، در اعدام ظلم در مرور دهور بی فایده و بی ثمر بوده است و ظلم از جهان اصلاً مرفوع نمی‌گردد و وعظ و نصیحت برای ترک آن در طبیعت ظالم هرگز موثر نمی‌افتد. پس قریب به اوایل قرنِ حال، حکما و فیلسوفان و شعرا و فصحا و بلغا و خطبای سحجان منش در فرنگستان، مثل ولتر و روسو و مؤنسنکیو و میرابو و غیرهم فهمیدند که به جهت رفع ظلم از جهان، اصلاً به ظالم نباید پرداخت، بلکه به مظلوم باید گفت که: . . . تو که در قوت و عده و مکتد از ظالم به مراتب بیشتری، تو چرا متحمل ظلم می‌شوی؟ از خواب غفلت بیدار شو، گور پدر ظالم را بسوز! بعد از این اعتقاد ثانوی، فیلسوفان فرنگستان تصورات جدیده خودشان را به مردم فهماندند.

وقتی که مظلومان از اینگونه افکار عقلاً واقف گشتند، به یک بار همت کرده اظهار حمیت نمودند و ظالم را از میان برداشته برای آسایش و حسن احوال و اوضاع خودشان قوانین وضع کردند که هرکس از افراد ناس مباشر اجرای همان قوانین بشود، اصلاً به زیر دستان یاری ظلم کردن نخواهد داشت. . . »

منبع :

رساله‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، گردآوری و مقدمه: حجت‌الله اصیل، نشر نی چاپ اول ۱۳۸۱، صص ۳۰۷-۳۰۶.

گزارش سال ۱۳۳۴



سیاسی کشور را به گونه‌ای بیاریابد که برای افکار عمومی جهانیان مقبول‌تر باشد.

در همین رابطه دکتر کریم سنجابی که پس از کودتا پنهان شده بود، با میانجی‌گری شحمت‌الدوله و الاتبار خود را به فرماندار نظامی معرفی کرد، ولی بازداشت‌نشد. مهندس کاظم حبیبی نیز در ۱۲ فروردین‌ماه این سال خود را به همین مرجع معرفی کرد که وی نیز بلافاصله آزاد شد. نظامیان محافظ خانه دکتر مصدق هم که دلبرانه در برابر کودتاجیان ایستادگی کرده بودند، آزاد شدند. در ادامه روند دموکراتیزاسیون نمایشی، سپهبد زاهدی نیز زیر فشار شاه و آمریکا تسلیم شد و از کار کناره‌گیری کرد. سپهبد کودتاجی اینک ابزار از کار افتاده‌ای برای شاه و آمریکا بود و کابینه نیمه‌نظامی او مورد نقد و کنهوش افکار عمومی حساس داخلی و خارجی قرار داشت. افزون بر اینکه تاریخ مصرف سپهبد زاهدی به سر آمده بود، زیاده‌خواهی و فساد مالی او و تیم کودتاجی اش، شاه را نگران کرده بود. کار به جایی رسید که شاه حتی حضور زاهدی در کشور را نیز تاب نیاورد و او را با گماشتن به پست ریاست دفتر نمایندگی اروپایی سازمان ملل، راهی خارج از کشور نمود.
فردای آن روز یعنی ۱۷ فروردین‌ماه، حسین علاء از سوی شاه به‌عنوان نخست‌وزیر به مجلسین معرفی شد. وی نیز به سرعت و در مدت ۴۸ ساعت کابینه از پیش تدارک شده خود را به مجلس معرفی کرد. همان‌گونه که می‌بینیم رفتار سیاسی شاه نسبت به دوران پیش از کودتا چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای یافته است. پیش از کودتا، معمولاً وی منتظر رای ابراز تمایل مجلس برای معرفی نخست‌وزیر می‌ماند، اما اکنون این او است که نخست‌وزیر آینده را به مجلس معرفی می‌کند!

روند نزدیکی ایران به آمریکا نیز همچنان در سراسرایی تند و پرمسرعی جریان داشت. افزون بر کمک‌های مالی و نظامی آمریکا به شاه، کارتل‌ها و تراست‌ها و سرمایه‌گذاران آمریکایی نیز که گویی بهیشت محسوده شده را یافته‌اند، به سوی این سرزمین بلادیده سرازیر شدند. در آغاز اردیبهشت‌ماه، به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان، حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی در سلسله سخنرانی‌هایی که به طور زنده از رادیو پخش می‌شد، به فعالیت‌های فرقه بهائیت اعتراض کرد. وی در این سخنرانی‌ها خواستار جلوگیری از فعالیت بهائیان توسط دولت و دربار شد. او در سخنرانی‌های خود چالش اجتماعی نوینی را پدید آورد که تبعات آن با شدت و حرارت بسیار زیادی فضای سیاسی و اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داد. ذهنیت افغانی مبارزه با بهائیت، جایگزین نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق می‌شد. در ۱۶ اردیبهشت‌ماه، پس از سخنرانی‌های شیخ محمدتقی فلسفی، تظاهرات شدیدی از سوی مردم تهران و شهرهای بزرگ علیه بهائیت



تصویر نظامی



تصویر نظامی

حذف مخالفان

استقرار کودتاجیان

برپا شد. شدت تظاهرات به اندازه‌ای بود که دولت ناگزیر از اعلام حکومت نظامی در این شهر شد. در همین روز خطیره‌القدس بهائیان در تهران نیز پیش از اینکه مورد حمله مردم خشمگین قرار گیرد به تصرف نظامیان درآمد. روز بعد- ۱۷ اردیبهشت‌ماه- آیت‌الله بروجردی مرجع تقلید شیعیان از شیخ محمدتقی فلسفی به پاس سخنرانی‌ها و کوشش‌های او سیاسگزاری نمود. در واپسین روز اردیبهشت‌ماه، پنج تن از اعضای جبهه ملی و یاران مشترک و ستاد نیروهای زمینی، هوایی و دریایی بود و رسانه‌ها نوشتند که دکتر مصدق بقایی، نریمان، زهری، به منظور جلوگیری از بروز اسرار درونی ارتش، اداره اطلاعات تشکیل شد. در



هفتمین ماه وزیر پست و تلگراف و تلفن با خرید ۱۸۰ هزار شماره تلفن از آلمان غربی تحولی در شبکه ارتباطی کشور پدید آورد. در همراه این سال، شاه ایران که می‌کوشید نقش ژاندارم منطقه هنگام جنگ جهانی دوم، در بانک شوروی به امانت گذاشته بودند، پس داد. شگفت‌آور اینکه دولت مردمی و ضد استعماری دکتر محمد مصدق در سخت‌ترین شرایط اقتصادی موفق به بازپس‌گیری این طلاها شد! فتح‌الله مرادی که رئیس هیات بازپس‌گیرنده طلاها بود، در ۱۸ خردادماه این محموله را به خزانه دولت سپرد. در آخرین روز تیرماه احمد قوام- قوام‌السلطنه- در سن ۸۲ سالگی درگذشت. وی که به هنگام صدور فرمان مشروطیت دبیر حضور مظفرالدین شاه بود و دستخط مشروطیت را تحریر نموده بود، در دوران مشروطیت ۵ بار

تشکیلات دارالفنون

سیروس غفاریان

بعد از فوت محمدعلی خان شیرازی وزیر خارجه و رئیس دارالفنون، در ربیع‌الثانی ۱۲۶۸ عزیزخان مکرری (سردار کل) به ریاست دارالفنون رسید. سپس مرحوم رضاقلی‌خان هدایت مولف کتاب مجمع‌الفصحا که ابتدا ناظم دارالفنون بوده به ریاست این مدرسه نائل گردید تا آنکه در ۱۲۷۴ ه‍.ق علیقلی میرزا اعضاءالسلطنه فرزند چهل و هفتم فتحعلی‌شاه ضمن ریاست دار‌الفنون به فرمان ناصرالدین‌شاه وزارت علوم را نیز در دست گرفت. در زمان ریاست اعضاءالسلطنه، فرزندان طبقات متوسط که بسیار با استعداد بودند در مدرسه دارالفنون پذیرفته می‌شدند. از بین این افراد بودند که بعدها از این مدرسه فارغ‌التحصیل شده و پس از اعزام به خارج از کشور و بازگشت به ایران خواستار ایجاد حکومت قانون و مشروطه شدند. دارالفنون طبق دستور ناصرالدین‌شاه جزء تشکیلات دربار قرار گرفت و رئیس مدرسه با حمایت وزیر علوم و فرمان شخص شاه انتخاب می‌شد و در کلیه امور مدرسه استقلال کامل داشت. معلمین با اجازه شاه عزل و نصب می‌شدند. شاگردانی که از فرزندان رجال درباری بودند با اجازه شاه در مدرسه ثبت‌نام می‌شدند و بعد از مرگ میرزاآقاخان تئوری و صدرات حاج‌میرزاحسین‌خان سپهسالار ملقب به مشیرالدوله که افکار امیرکبیر را تا حدی در سر داشت وسیاسی را فراهم کرد که فرزندان نوکران رجال درباری که مستعد تشخیص داده می‌شدند با اجازه وزیر علوم در مدرسه ثبت‌نام شوند و از این رهگنر فضای باز فرهنگی در این مدرسه حکمفرما شد. تمام شاگردان در دوران تحصیل ازدولت کمک‌هزینه تحصیلی دریافت می‌کردند و پس از پایان تحصیل بلافاصله به خدمات دولتی گماده می‌شدند.
دانشنامه (کارنامه‌ها) غالباً عبارت بود از حکمی شامل سه مطلب؛ فراغت از تحصیل، دریافت یک قطعه نشان طلا، تعیین شغل و حقوق. در این مدرسه علاوه بر دروس اساسی، درس زبان خارجی برای کلیه شاگردان اجباری بود و علاوه بر سه زبان انگلیسی، فرانسه و روسی به سبب وجود معلمان اتریشی، زبان آلمانی هم تدریس می‌شد. دارالفنون برای سه مقطع ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی و دانشکده (فاکولته) ایجاد شده بود. پس از پایان دوران تحصیل در هر مقطع، دانش آموزان آن مقطع بایستی از امتحان (آزمون) ورود به مقطع بالاتر مثلاً دبیرستان را کسب کنند و دانش‌آموزانی که در هر رشته فارغ‌التحصیل می‌شدند شرط اخذ دیپلم و ارتقا به مرحله فاکولته (دانشکده) گذراندن امتحان و موفقیت در آن بود. آتپایی که در هر مقطع و هر رشته قبول می‌شدند در جشن فارغ‌التحصیلی شرکت می‌کردند. جشن فارغ‌التحصیلی هر رشته درسی طی مراسمی برگزار می‌شد و شخص ناصرالدین‌شاه فرمان (دانشنامه)

■ **دارالفنون بعد از ریاست اعضاءالسلطنه**

به علت آن که بعد از هفت سال که از تأسیس دارالفنون گذشته بود و عده‌ای از فارغ‌التحصیلان موفق آن برای ادامه تحصیل به خارج اعزام می‌شدند، ناصرالدین شاه ضمن بازدید از دارالفنون به خاطر رونق و ترقی مدرسه و استعدادالسلطنه را مفتخر به نشان امیر تومانی (سپهبدی) با یک رشته حمایل مخصوص کرد و به او هزار تومان انعام داد. در زمان وزارت علوم علیقلی خان اعضاءالسلطنه در ۱۲۸۷ ه‍.ق یعنی ۲۱ سال پس از تأسیس دارالفنون، نقشه اراضی تهران را جعفرقلی‌خان فرزند رضاقلی‌خان هدایت به اتفاق میرزاعبدالغفارخان معلم علوم ریاضی و بیست نفر از مهندسان تربیت شده دارالفنون ترسیم کردند. این نقشه وقتی به شاه داده شد و به یک از ترسیم‌کنندگان سه هزار تومان امیزونیان با حایل (ارتشبد) سرفراز داده شد. بعد از مرگ اعضاءالسلطنه به سال ۱۲۹۸ ه‍.ق به دستور ناصرالدین شاه علی قلی‌خان مخیرالدوله فرزند دیگر رضاقلی‌خان هدایت به ریاست مدرسه رسید. از آن پس به بعد ریاست

^[1] در زمان وزارت علوم علیقلی خان اعضاءالسلطنه در ۱۲۸۷ ه‍

تقویم

فریبکاری عین‌الدوله

هر روز که می‌گذشت عین‌الدوله سخت‌گیری‌های خود را نسبت به علما و ملیون بیشتر می‌کرد، بر اعتبار آقاخان افزوده می‌شد و آقاخان نیز هر کدام به نحوی در جهت جلب دل آقا بهیپانی با جمع‌آوری طلاب و مهربانی آنها را به خود جلب می‌نمود و با به راه انداختن قرائت‌خانه و کلاس‌های درس در منزلش و پرداخت خرجی به آنها ایشان را با خود همراه می‌نمود و رسیدن به هدف را با ریاست و نفوذ کلام خود توأم می‌دانست اما طباطبایی برعکس از ریاست متنفذ بودو رسیدن به هدف را فقط با هیجان عمومی قابل دسترس می‌دید و نفوذ شخصی و قهرمان‌پروری را مانع و سدی در راه رسیدن به هدف می‌دانست فلذا بعضی اوقات تا حدی در این زمینه افراط و دیگرا را از خود دور می‌کرد. باتوجه به اینکه مردم ایران ذاتاً به‌ذنبال رئیس و یا رهبری برای حرکت می‌گردند لذا این وضعیت می‌توانست رهبری را به شخص نالایقی واگذار کند که در آینده کل انقلاب را با شکست مواجه نماید. در چنین روزی اعضای انجمن مخفی و یا انجمن آدمیت مرحوم طباطبایی را به بهانه ناهار به منزل بهاء دفتر دعوت کردند و وی را از این روش نهی کرده و به او گفتند: این روش ما را راه هدف دور کند. و او را تشویق به ارتباط بیشتر با مردم و جلب نظر آنان نمودند. می‌توان سخنرانی فردای مرحوم طباطبایی را که تا به حال با چنین حرارتی سخن نگفته بود از تأثیرات این نشست دانست و البته در سخنرانی فردا مرحوم طباطبایی هشدارهای بسیاری به مردم می‌دهد و درباره علم حرکت از سوی مردم آنها را نکوهش می‌کند.

-
-
-

مرحوم ملک‌المکملین و ناظم‌الاسلام دیدارهای مرتبی با عین‌الدوله داشتند و سعی فراوان می‌کردند او را در حل قضایا آرام نگاه دارند و به سمت مردم سوق دهند. در این جلسات عین‌الدوله به قدری با مظلومیت صحبت می‌کرده است که ملک‌المتکملین می‌گوید: «دلهم به حال او سوخت. » عین‌الدوله به آنها می‌باوراند که او نیز از طرفداران مشروطه است اما اعتقاد دارد که هنوز زود است. آنها سعی می‌کردند او را به مردم نزدیک‌تر و از استبداد دور کنند. ناظم‌الاسلام می‌نویسد: در چنین روزی به منزل عین‌الدوله رفتم و او با قول و قرارهای فراوان صلسه را به سه روز دیگر گناشت که البته همان‌گونه که خواهیم دید ملک‌المتکملین و دو فرزندش به سبب دیگر بهیچ‌یک از قول‌های خود نرسیدند. آنها سعی می‌کردند داشت بازداشت و روانه زندان می‌کند و نشان می‌دهد تمام حرف‌ها و قول‌های او چیزی بیشتر از یک فریب نبوده است.

نگاه

آیت‌الله تائینی و سرانجام کار

رویا بهلوانی*

اوایل ریاست جمهوری آقای خاتمی بود که کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، نوشته عبدالهادی حائری به دستم رسید. بسیار جالب بود، بدون هیچ اغماض و منظوری تاریخ مشروطیت به تحریر درآمده بود. مخصوصاًعکس العمل علمای نجف و حمایت آنها از مشروطیت و مواضع آیت‌الله تائینی در جواب کسانی که تشکیل مجلس و تصویب قانون را کفر می‌دانستند جلب توجه می‌کرد. آیت‌الله تائینی پاسخ کسانی را که معتقد بودند در قرآن می‌توان قوانین را استخراج کرد و نیازی به وضع قانون نیست داده بود.

وقتی صد سال پیش علمی سخن از آزادی و قانون و مشروطیت می‌زند انسان مات و میهوت می‌ماند که چگونه بعد از یک قرن هنوز مردم ایران در این موارد مشکل دارند. اما آخر کتاب دلسردکننده بود. آنجا که آمده‌است به روایتی آیت‌الله تائینی با دست خود کتاب تنبیه‌الامه را و تزییل المله را که در دفاع از مشروطیت نوشته بود بر پر دوخته جلده افکند. بعد از ناآرامی‌های عراق ایشان به ایران آمده و تحت پناوایی رضاشاه قرار گرفتند و پس از بازگشت به عراق هداییی به‌عنوان شکر برای اسلام می‌فرستند، باز هم خیلی ناامیدکننده بود. اما آنچه مهم است رضاشاه آن زمان در لباس دفاع از دین و مذهب بسیاری را دلخوش کرده بود و دیری نپایید که چهره واقعی خود را نشان داد. گذشته چراغ راه آینده است. گذشته از اتفاقاتی که افتاد و نشروشت تاسف‌بار مشروطیت، اندیشه‌های آیت‌الله تائینی و کتاب ایشان از برگ‌های زرین تاریخ ما و باعث افتخار هر ایرانی آزادی‌خواه است.

✱ **کارشناس علوم سیاسی**

کتاب‌شناسی

جنبش وطن‌پرستان اصفهان و بختیاری

محمود فاضلی : کتاب جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری نوشته دکتر نورالله دانشور علوی است که در سال ۱۳۷۷ از سوی انتشارات آتران انتشار یافته است.
پوشیده نیست که مردم اصفهان و آزادپخواهان پابنخت شاه عباس مخصوصاً ایل بختیاری هر چند در نهضت مشروطه سهم بزرگی به‌همه‌د داشته و نقش مهمی ایفا کرده‌اند، اما متأسفانه حق قربانی‌هایی که این طایفه و مجاهدین اصفهان در راه استقرار مشروطه کرده‌اند مورد اشاره قرار گرفته‌است. کتاب در پانزده فصل و عناوین همچون : آغاز نهضت در اصفهان، قتل مونس السلطنه در منزل نورالله، بسپج سواران بختیاری و آمادگی صمصام السلطنه، ورود ضرغام السلطنه به اصفهان و پیروزی، فتح تهران و خلع محمدعلی میرزا، طغیان ارشدالدوله معروف و شکست سالارالدوله به وسیله اردوی بختیاری و کشمکش آزادپخواهان با عمال روسیه مورد اشاره این کتاب ۲۲۷ صفحه‌ای قرار گرفته است.

^[1]
^[2]
^[3]
^[4]
^[5]
^[6]
^[7]
^[8]
^[9]
^[10]
^[11]
^[12]
^[13]
^[14]
^[15]
^[16]
^[17]
^[18]
^[19]
^[20]
^[21]
^[22]
^[23]
^[24]
^[25]
^[26]
^[27]
^[28]
^[29]
^[30]
^[31]
^[32]
^[33]
^[34]
^[35]
^[36]
^[37]
^[38]
^[39]
^[40]
^[41]
^[42]
^[43]
^[44]
^[45]
^[46]
^[47]
^[48]
^[49]
^[50]
^[51]
^[52]
^[53]
^[54]
^[55]
^[56]
^[57]
^[58]
^[59]
^[60]
^[61]
^[62]
^[63]
^[64]
^[65]
^[66]
^[67]
^[68]
^[69]
^[70]
^[71]
^[72]
^[73]
^[74]
^[75]
^[76]
^[77]
^[78]
^[79]
^[80]
^[81]
^[82]
^[83]
^[84]
^[85]
^[86]
^[87]
^[88]
^[89]
^[90]
^[91]
^[92]
^[93]
^[94]
^[95]
^[96]
^[97]
^[98]
^[99]
^[100]
^[101]
^[102]
^[103]
^[104]
^[105]
^[106]
^[107]
^[108]
^[109]
^[110]
^[111]
^[112]
^[113]
^[114]
^[115]
^[116]
^[117]
^[118]
^[119]
^[120]